

فصلنامه علمی علوم حدیث

سال بیست و پنجم شماره ۴ (پیاپی ۹۹)
زمستان، ص ۱۳۲ - ۱۴۹

Ulumhadith

Twenty-sixth No 1
Winter (Mar - June 2021)

اندازه‌گیری پای‌بندی علامه حلی به سند محوری در نقد حدیث

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

عماد مرادی^۱
حمیدرضا فهیمی‌تبار^۲
پرویز رستگار جزی^۳

چکیده

علمای امامیه برای ارزیابی روایات از دو اصطلاح صحیح و ضعیف استفاده می‌کردند و براساس قراین - که یکی از آن قراین سند حدیث بود - به صحت و یا ضعف حدیثی حکم می‌کردند. تا این‌که نظریه تربیع احادیث توسط علامه حلی به کار گرفته شد. ایشان احادیث را براساس سلسله سند به چهار دسته «صحیح»، «حسن»، «موثق» و «ضعیف» تقسیم کرد. با توجه به انتقاد بسیاری از عالمان به این شیوه ارزیابی، در این پژوهش بر آن شدیم تا به صورت آماری میزان پای‌بندی علامه حلی در عمل به وضع اصطلاحات جدید و سند محوری را به دست آوریم. براساس نتایج به دست آمده، ایشان در موارد بسیاری به اصطلاحات خود پای‌بند نبوده و تعداد احادیث ضعیفی که مورد عمل قرار داده، از مجموع احادیث صحیح و حسن و موثق بیشتر است. بنابراین با وجود این‌که ایشان از پیشگامان رویکرد سند محورانه به نقد حدیث است. این رویه را در کتاب‌هایش در پیش نگرفته است.

کلیدواژه‌ها: علامه حلی، سند محوری، نقد حدیث، عمل به حدیث، تربیع حدیث.

مقدمه

مجموعه معارف اسلامی، اعم از عقاید، احکام و اخلاق از طریق دو منبع کتاب و سنت

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (emad1365@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) (fahimitabar@kashanu.ac.ir).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (p.rastegar@kashanu.ac.ir).

دریافت می‌شود. قرآن از مصونیت برخوردار است، اما سنت معصومان علیهم‌السلام در گذر زمان از تحریف و دستبرد مصون نمانده و از صدر اسلام تا کنون با آسیب‌های متعددی در بخش اسناد و متون احادیث مواجه شده است.^۱ عالمان اسلامی برای دستیابی به احادیث صادر شده از معصومان علیهم‌السلام به ارزیابی روایات - که در دستورات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام نیز روش‌هایی از این ارزیابی دیده می‌شود^۲ - مبادرت ورزیدند و به مرور زمان شیوه‌های جدیدی برای آسان‌تر شدن و سریع‌تر شدن کار ارزیابی ابداع کردند که از جمله آن‌ها تقسیم احادیث به دو اصطلاح صحیح و ضعیف بود. این دو اصطلاح در بین قدمای عامه و شیعه در ارزیابی روایات استفاده می‌شد تا این‌که ترمذی اصطلاح حسن را به دو اصطلاح صحیح و ضعیف اضافه کرد و احادیث اهل سنت از آن زمان به سه دسته تقسیم شدند.^۳ اما شیعیان از همان دو اصطلاح صحیح و ضعیف برای ارزیابی احادیث استفاده می‌کردند و منظورشان از حدیث صحیح حدیثی بود که نسبت به صدور آن از معصوم علیه‌السلام اطمینان حاصل شود؛ خواه منشأ این اطمینان وثاقت راوی باشد یا قراین دیگر. احمد بن طاووس نخستین عالم شیعی بود که اصطلاح موثق را به آن سه اصطلاحی که ترمذی پیشنهاد داده بود، اضافه کرد و تعریفی از این اصطلاحات ارائه داد که فقط مربوط به رجال و سند روایات می‌شد.^۴ سپس علامه حلی همان تعاریف را ارائه کرد و در آثار خویش به کار برد.^۵ بنا بر اعتقاد شیخ بهایی نظریه تربیع از طرف علامه حلی مطرح شد که در بین قدمای مرسوم نبوده است.^۶ صاحب ریاض المسائل نیز نظریه تربیع احادیث را به مدرسه حله منسوب کرده و مبتکران نظریه را احمد بن طاووس و عامل به‌کارگیری آن را علامه حلی می‌داند؛^۷ حال آن‌که علامه حلی در عمل، به اصطلاحاتی که خود وضع کرده پای بند نبوده است؛ به عنوان، نمونه شهید ثانی در مسالک الأفهام می‌گوید:

علامه روایتی را که ابراهیم بن هاشم در سندش باشد، صحیح نامیده است؛ در حالی

۱. رک: آسیب‌شناسی حدیث، ص ۷-۲۰۸.

۲. رک: مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، ص ۵۰-۵۴.

۳. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۵۸.

۴. منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح و الحسان، ج ۱، ص ۱۸.

۵. مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۲۵-۳۲.

۶. همان؛ الفوائد الرجالیة، ص ۱۶۸.

۷. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۷۸-۷۹.

که ابراهیم بن هاشم هر چند ممدوح است، ولی تعدیل نشده است. بنابراین روایتش حسن می شود و خود علامه در موارد زیادی روایت ابراهیم بن هاشم را صحیح و در خیلی از موارد روایت او را به درستی حسن نامیده است.^۱

ایشان در کتاب الرعاية فی علم الدراية نیز گفته است:

علامه حلی در کتب خود طریق به «معاوية بن میسرة»، «عائذ الأحمسی»، «خالد بن نجیح» و «عبد الاعلی مولی آل سام» را صحیح نامیده، در حالی که نصی بر توثیق سه نفر اول در کتب رجال نداریم و چهارمی (عبد الاعلی) نیز توثیق نشده است.^۲ مرحوم محمد تقی مجلسی در شرح مشیخه التهذیب به همین نکته اشاره کرده و می گوید:

علامه حلی - که تسمیه اخبار را به صحیح و حسن و ضعیف بنا کرد - در موارد بسیاری به قوانین قدما در نام گذاری حدیث عمل کرده است که باعث اعتراض بسیاری شده؛ در حالی که از مراد علامه - که به مانند قدما در نام گذاری عمل کرده - غفلت کرده اند. با این حال، خیلی از علمای متأخر نیز مثل علامه عمل کرده اند. از طرفی، چون علامه در موارد بسیاری این گونه عمل کرده، احتمال این که اشتباهی انجام داده، از بین می رود؛ چون سهو و اشتباه برای یکی دو بار است، نه برای دفعات بی شمار.^۳

شیخ بهایی نیز در مشرق الشمسین گفته:

علامه حلی در بعضی موارد به مسلک قدما عمل کرده است.^۴

با توجه به این که بیان این عالمان درباره عملکرد علامه کلی است، در این تحقیق بر آن شدیم تا با بررسی رجالی - سندی، ادعاهای مجلسی، شیخ بهایی و شهید ثانی را درباره احادیث نام گذاری شده توسط علامه حلی ارزیابی کنیم. از میان آثار علامه - که به دست ما رسیده - ایشان فقط در دو کتاب فقهی مختلف الشیعه فی احکام الشریعه و منتهی المطلب فی تحقیق المذهب روایات را به وفور نام گذاری کرده و به ارزیابی پرداخته است.^۵ ما تنها دو بخش اول و آخر کتاب مختلف الشیعه فی احکام الشریعه را انتخاب کرده ایم؛ زیرا علامه در کتاب منتهی المطلب فی تحقیق المذهب - که

۱. مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۶، ص ۴۴-۴۵.

۲. الرعاية فی علم الدراية، ص ۷۹-۸۰.

۳. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۲۷۴.

۴. مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۳۲.

۵. در دیگر آثار، ایشان کمتر به احادیث استناد کرده، البته در تعدادی از آثار کلامی از احادیث استفاده کرده، ولی بیشتر به

فقه الحدیث پرداخته است. برای نمونه رک: الرسالة السعدیه، ص ۷۶-۷۸.

در بردارنده احکام تمام مذاهب اسلامی است - به احادیث اهل سنت بسیار استناد کرده^۱ و در نتیجه طبیعی است که پای بندی ایشان در منتهی المطلب فی تحقیق المذهب کمتر از کتاب مختلف الشیعه فی احکام الشریعه است. از آنجایی که همواره جامعه آماری نمونه کوچک تبیین کننده کل آن جامعه است و بررسی تمام کتاب مختلف الشیعه کار طاقت فرسایی است و از طرفی احتمال دارد که در طول نگاشتن کتاب نظریه ایشان تعدیل شود، کتاب اول و آخر (کتاب طهارت و کتاب قصاص و دیات) از اثر فقهی ایشان به نام مختلف الشیعه فی احکام الشریعه را برای بررسی گزینش کردیم. با توجه به مطالب بیان شده، نتایج این تحقیق را می توان با درصد نسبتا بالایی به عملکرد علامه حلی نسبت داد. لازم به ذکر است که مصحح محترم نسخه کتاب مختلف الشیعه فی احکام الشریعه نشانی اسناد روایات را در پانویس نسخه آورده است. بنابراین در این مقاله فقط نشانی روایات را آورده ایم.

۱. تربیع حدیث

۱-۱. تعاریف رباعی حدیث از منظر دانشمندان علم درایه

۱-۱-۱. حدیث صحیح

حدیث صحیح نزد شیعه به روایتی اطلاق می شود که سند آن توسط روایان عادل امامی نقل شود و در تمامی طبقات به معصوم علیه السلام متصل شود.^۲

۱-۱-۲. حدیث حسن

حدیث حسن به حدیثی گفته می شود که واجد تمام شرایط حدیث صحیح است، اما در میان سلسله روایان نسبت به عدالت یک یا چند راوی در منابع رجالی تصریح نشده و تنها به مدح راوی اکتفا شده است.^۳

۱-۱-۳. حدیث موثق

حدیث موثق حدیثی است که در طریق آن کسی است که اصحاب بر توثیق او تصریح کرده اند، ولی عقیده او به دلیل پیروی اش از فرق مخالف امامیه فاسد است؛ اگرچه شیعه باشد.^۴

۱. برای نمونه رک: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۷، ص ۳۰۳، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۳۳ و ۳۳۵.
 ۲. الرعاية فی علم الدرایه، ص ۷۷؛ البداية فی علم الدرایه، ص ۲۳؛ مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۲۶؛ الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه، ص ۴۰؛ وصول الاخبار الی اصول الاخبار، ص ۹۳؛ تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۳۲-۳۳.
 ۳. الرعاية فی علم الدرایه، ص ۸۱؛ البداية فی علم الدرایه، ص ۲۳؛ مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۲۶؛ وصول الاخبار الی اصول الاخبار، ص ۹۵؛ تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۱۳۲؛ علم الحدیث، ص ۱۷۳-۱۷۴.
 ۴. الرعاية فی علم الدرایه، ص ۷۰؛ البداية فی علم الدرایه، ص ۲۳-۲۴؛ مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۲۶؛ الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه، ص ۸۴؛ وصول الاخبار الی اصول الاخبار، ص ۹۷؛ الوجیزه، ص ۵.

۱-۴. حدیث ضعیف

به حدیثی اطلاق می شود که فاقد شرایط و اوصاف سه قسم بالا است.^۱

۱-۲. حجیت اقسام چهارگانه از منظر علما

علما درباره حجیت هر کدام از این اقسام، با توجه به حجیت خبر واحد ظنی، اختلاف پیدا کردند و با توجه به اندازه دلالت علت حجیت خبر واحد به این احادیث عمل کردند. کسانی که ادله را مخصوص حجیت قول عادل دانسته اند، عمل را هم فقط به خبر واحد صحیح اختصاص می دهند و کسانی که حجیت خبر واحد را بر مبنای سیره عقلا - که بر حجیت قول ثقة دلالت دارد - می دانند، به احادیث حسن و موثق حتی ضعیف نیز عمل کرده اند؛ البته به شرطی که به نحوی از انحا صدور حدیث از معصوم برایشان ثابت شود.^۲

۱-۳. تربیع حدیث از منظر علامه حلی

۱-۳-۱. تعاریف رباعی حدیث از منظر علامه

علامه در مقدمه کتاب منتهی المطلب فی تحقیق المذهب آورده است:

درباره برخی از روایات لفظ صحیح به کار برده ایم، و منظورمان آن است که روایان این خبر ثقة و عادل هستند، و در بخشی دیگر از روایات لفظ حسن استعمال شده، که منظور این است که برخی از روایان این خبر را اصحاب، مدح کرده اند، هر چند به ثقة بودنش تصریح نکرده اند. در برخی دیگر، لفظ موثق را ذکر کرده ایم که مقصودمان آن جمله از روایاتی است که بعضی از روایان آن ها امامی نبوده، بلکه فطحی، واقفی و... هستند، ولی اصحاب ثقة بودنشان را تأیید کرده اند.^۳

با توجه به این تعاریف، در نگاه اول، گویا متصل بودن سند برای علامه حلی اولویت نداشته است؛ ولی از آنجا که در کتب اصول و در کتب فقهی خود حدیث مرسل را قبول نمی کند.^۴ معلوم می شود از منظرایشان اتصال سند شرط حدیث صحیح است و تعاریف علامه از این احادیث همان تعاریف دانشمندان علم درایه است.

۱. الرعاية فی علم الدراية، ص ۷۱؛ البداية فی علم الدراية، ص ۲۴؛ الرواشح السماوية فی شرح الاحادیث الامامية، ص ۷۴؛ وصول الاختیار الی اصول الاخبار، ص ۹۸؛ تلخیص مقباس الهدایة، ص ۱۴۶.

۲. رک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۰-۲۱؛ اصول الحديث و احکامه، ص ۶۰-۶۱.

۳. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱، ص ۹-۱۰.

۴. تهذیب الوصول الی علم الأصول، ص ۲۴۰؛ نهاية الوصول الی علم الأصول، ج ۳، ص ۴۵۹-۴۶۹؛ مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۳۴۹ و ۳۱۷.

۱-۳-۲. حجیت اقسام چهارگانه از منظر علامه حلی

مطابق با نظر علامه عمل به احادیث «حَسَن» و «مَوْثِق» مردود است؛ زیرا در قبول روایت، عدالت و ایمان شرط است.^۱ بنابراین ایشان فقط به حدیث صحیح عمل می‌کنند.

۲. سند محوری علامه حلی

همان گونه که گفته شد، علامه حلی نظریه تربیع حدیث را - که بر رجال و سند استوار است - مطرح کرده و در آثارش به کار برد. از طرفی ایشان شرایط متعددی، چون بلوغ، عقل، اسلام، عدالت و ضبط را برای راوی حدیث لازم می‌داند. عدالت را شرط پذیرش روایت دانسته و روایت مجهول الحال را چون عدالتش محرز نیست، نمی‌پذیرد.^۲ همچنین ایشان، برخلاف اصحاب رجال متقدم، رجالیان را به دودسته معتمدین و غیر معتمدین تقسیم کرده است.^۳ به این ترتیب، حجیت احادیث در نزد علامه حلی بیشتر بر پایه صفات راوی متمرکز شده و اهمیت بررسی سند و رجال برخلاف متقدمان اولویت اول را در نزد ایشان پیدا کرده است.^۴

۳. ارزیابی روایات از منظر علامه حلی

علامه اکثر احادیث کتاب مختلف الشیعه فی احکام الشریعه را نام‌گذاری کرده و داخل در یک از اقسام صحیح و مَوْثِق و حَسَن قرار داده است. از طرفی، در فایده هشتم کتاب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، تعدادی حدیث را به نام‌های صحیح، حسن، قوی (مَوْثِق) و ضعیف نام‌گذاری کرده است.^۵ با بررسی سندی روایات بخش اول و آخر از کتاب مختلف الشیعه فی احکام الشریعه از سوی نگارنده و این‌که اکثر احادیثی که ایشان نام نهاده، بر مبنای اصطلاحات علم درایه جزء احادیث ضعیف محسوب شدند، می‌توان به این نتیجه رسید که از منظر ایشان آن دسته از روایات که نام‌گذاری نکرده، ضعیف بوده‌اند.

۳-۱. جدول عملکرد علامه مطابق با نام‌گذاری ایشان

برای بررسی عملکرد علامه حلی دو جزء اول و آخر (کتاب طهارت و کتاب قصاص و دیات) از اثر فقهی ایشان مختلف الشیعه فی احکام الشریعه را گزینش کردیم. مبنای بررسی،

۱. تهذیب الوصول الی علم الاصول، ص ۲۳۲.

۲. مبادی الوصول الی علم الاصول، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ تهذیب الوصول الی علم الاصول، ص ۲۳۳-۲۳۰.

۳. تألیفات رجالی طوسی و نجاشی بر اهمیت تألیفات و مصنفات تأکید دارد (رک: رجال الطوسی و رجال النجاشی).

۴. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۴۳.

۵. همان، ص ۴۳۵-۴۴۳.

نام‌گذاری خود علامه برای احادیث است که در مجموع دو جزء، ۷۶۱ حدیث را ارزیابی و نام‌گذاری کرده که از این تعداد به ۶۵۲ حدیث عمل کرده و تعداد ۱۰۹ حدیث را مردود دانسته است. در جدول ذیل نتایج مفصل این دو جزء آمده است.

جدول ۱. عملکرد علامه مطابق با نام‌گذاری ایشان

نام‌گذاری حدیث از طرف علامه حلی	صحیح	حسن	موثق	ضعیف
تعداد در کتاب طهارت	۲۰۶	۵۸	۶	۳۵۲
تعداد در کتاب طهارت که به حدیث عمل کرده	۲۰۱	۵۸	۶	۲۶۸
درصد در کتاب طهارت که به حدیث عمل کرده	۹۷/۵	۱۰۰	۱۰۰	۷۶/۱
تعداد در کتاب قصاص و دیات	۳۳	۱۵	۲	۸۹
تعداد در کتاب قصاص و دیات که به حدیث عمل کرده	۳۲	۱۳	۲	۷۲
درصد در کتاب قصاص و دیات که به حدیث عمل کرده	۹۶/۹	۸۶/۶	۱۰۰	۸۰/۸
تعداد در مجموع دو کتاب	۲۳۹	۷۳	۸	۴۴۱
درصد در مجموع دو کتاب	۳۱/۴	۹/۵	۱	۵۷/۹
تعداد در مجموع دو کتاب که به حدیث عمل کرده	۲۳۳	۷۱	۸	۳۴۰
درصد در مجموع دو کتاب که به حدیث عمل کرده	۹۷/۴	۹۷/۲	۱۰۰	۷۷

۴. ارزیابی روایات مطابق با اصطلاحات علم درایه

با بررسی رجالی - سندی هر روایت از سوی نگارنده و بر مبنای اصطلاحات علم درایه معلوم شد که علامه اشتباهاتی در نام‌گذاری احادیث مرتکب شده است که در ادامه نمونه‌هایی از آن آمده است.

۴-۱. احادیث حسن که صحیح نام‌گذاری شده‌اند

بیان شهید ثانی - که در مقدمه آمده بود - درباره عملکرد علامه حلی درست است؛ چرا که ایشان چندین روایت را - که ابراهیم بن هاشم در سندشان وجود دارد - به درستی حسن

الحسن الرضا» آمده صحیح نامیده؛^۱ در حالی که رجل در سند مشخص نیست. بنابراین این احادیث جزء احادیث ضعیف محسوب می‌شوند. جالب اینجاست که علامه حلی در یک مورد این گونه حدیثی را الصحیحہ اسماعیل بن بزیع نامیده است^۲ که نام‌گذاری به این صورت، یعنی طریق تا شخص صحیح است و بقیه طریق تا معصوم صحیح نیست. علامه مامقانی به این نکته اشاره کرده و گفته است:

حتى بعضی صحیح را بر احادیثی مروی از غیر امامی منسوب کرده‌اند، به خاطر صحت سند تا آن شخص و گفته‌اند در صحیحہ فلان و علامه حلی طریقتش را به چند شخص که نصی بر توثیقشان نیست، صحیح دانسته که این‌ها همه از تعریف صحیح خارج‌اند.^۳

شهید ثانی نیز روایتی را از علی بن مهزیار به سبب مکاتبه‌ای بودن قبول نکرده است.^۴ ایشان دو حدیث از زرارہ و حریر را صحیح نامیده،^۵ ولی در سند هر دو روایت علی بن حدید است که خود علامه در خلاصه الاقوال ایشان را تضعیف کرده^۶ یا روایت دیگری را صحیح محمد بن قیس نامیده،^۷ در حالی که محمد بن قیس را خودش تضعیف کرده است.^۸

مرسلات ابن ابی عمیر (ابن ابی عمیر عمن رواه یا ابن ابی عمیر عن رجل) را صحیح نامیده است؛^۹ در حالی که حدیث مرسل است و داخل تعریف حدیث صحیح از منظر علمای درایه و علامه حلی نمی‌گنجد؛ برای همین آیه الله خویی حجیت مراسیل ابن ابی عمیر را نپذیرفته و گفته است:

کلام نجاشی و شیخ طوسی - که اصحاب به مراسیل ابن ابی عمیر اعتماد می‌کردند - هیچ اساسی ندارد. چه فرقی بین مراسیل وی و دیگر ثقات وجود دارد؟^{۱۰}

محقق اردبیلی نیز از کسانی است که مراسیل را حجت نمی‌داند؛ حتی اگر از ابن ابی

۱. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۸-۱۹۹.

۲. همان، ص ۲۱۵.

۳. تلخیص مقباس الهدایه، ص ۳۲-۳۴.

۴. روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، ص ۴۵۰-۴۵۱.

۵. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۲۶۹ و ۳۸۴.

۶. خلاصه القوال فی معرفه الرجال، ص ۲۳۴.

۷. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۹، ص ۳۴۵.

۸. خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۵۴.

۹. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۲۵۳، ۳۴۰، ۳۴۳ و ۴۶۳.

۱۰. معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۸۵.

عمیر باشد. وی در جایی می‌فرماید:

روایت مورد نظر مرسل است؛ گرچه راوی ابن ابی عمیر است و گفته شده است که مراسیل او حجت است، ولی ما آن را قبول نداریم.^۱

روایتی را «صحیح حماد بن عثمان» نامیده، ولی سند روایت به صورت «عن حماد بن عثمان، أو غیره» است^۲ و احادیث بسیاری را با این که سند به همین گونه است، صحیح نامیده و مورد عمل قرار داده،^۳ در حالی که در جای دیگر کتابش حدیثی را که سندش به صورت «عن عبد الله بن سنان، أو عن غیره» است، به خاطر مجهول بودن راوی صلاحیت حجّیت داشتن ندانسته است.^۴ در ضمن، روایت «حفص بن سوجه عمن أخبره» را صحیح دانسته،^۵ در حالی که مرسل است و طوسی به خاطر ارسال نپذیرفته^۶ و خود علامه نیز در جای دیگر کتابش روایت «حریز عمن أخبره»^۷ را با گفتن «مشخص است که سند مرسل است» مردود دانسته است.^۸

روایت عبدالرحمن بن ابی نجران را صحیح نامیده، در حالی که ایشان عن رجل حدیث کرده است^۹ و این گونه سند آوردن، مرسل می‌شود که به این نکته طوسی اشاره کرده است.^{۱۰} علامه روایتی را که مغیره به امام مستند نکرده و بعضی صادقین (علیهم‌السلام) در سند آن معلوم نیست چه کسی است، مردود دانسته است،^{۱۱} در حالی که روایتی را که زراره و محمد بن مسلم به معصوم مستند نکرده‌اند، صحیح نامیده و به آن عمل کرده است.^{۱۲} ارسال ابن بابویه از حریر را صحیح دانسته،^{۱۳} که با مراجعه به مشیخه صدوق،^{۱۴} معلوم

۱. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۵ و ۵۰۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۳۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۲۵.

۶. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۱۲.

۷. حریر و حفص بن سوجه از نظراصحاب رجال متقدم ثقة هستند.

۸. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۹. همان، ج ۱، ص ۴۵۱.

۱۰. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۹.

۱۱. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۲۲۸: قد روی عبد الله بن المغیره فی الصحیح، عن بعض الصادقین.

۱۲. همان، ج ۱، ص ۴۴۲.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۳۱۰.

۱۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۵.

می‌شود در سند حدیث محمد بن اسماعیل بن عیسی است که علامه در خلاصه الأقوال نیاورده و طوسی تضعیفش کرده است.^۱

علامه حلی تعدادی احادیث را که ارسال شیخ طوسی از حسین بن سعید است، صحیح نامیده،^۲ ولی با رجوع به مشیخه التهذیب معلوم می‌شود که در سند حدیث «احمد بن محمد بن الحسن بن ولید» و «الحسین بن الحسن بن أبان» آمده که نصی بر توثیق این دو نیست و آیه الله خویی تصحیح علامه را در طریقی که «احمد بن محمد بن الحسن بن ولید» در آن است، از اجتهادات علامه دانسته و گفته خود علامه در رجالش ذکری از احمد نیاورده است.^۳ درباره «الحسین بن الحسن بن أبان» نیز علامه شوشتری فرموده است:

علامه حلی حتی اگر از گوشه و کنار سخنان رجالیون کمترین مدحی در کسی یافته او را در عنوان مستقلی مطرح کرده، ولی هیچ ذکری از الحسین بن الحسن بن أبان نکرده است. بنابراین خبر این شخص معتبر است؛ بدون این که او را ثقه بدانیم.^۴

حدیثی را صحیح نامیده، در حالی که محمد بن سنان الزاهری در سند است که حداکثر ممدوح شده است.^۵ علاوه بر این، «ابن مسکان» در سند حدیث گفته: «حدثني صاحب لي»^۶ و معلوم نیست که «صاحب لی» چه کسی است. بنابراین این حدیث در جرگه احادیث ضعیف قرار دارد.

۴-۴. آوردن احادیث ضعیف به نام موثق

علامه روایتی از سکونی را موثق نامیده است،^۷ در حالی که او را عامی غیر معتمد دانسته؛^۸ علاوه بر این، «الحسین بن یزید النوفلی» در سند است که علامه جزء غیر معتمدین شمرده و به نقل از قمیون گفته است:

نوفلی در آخر عمرش غالی شده است.^۹

۱. رجال الطوسی، ص ۳۹۱؛ فهرست الطوسی، ص ۴۰۲.

۲. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۴۵۲؛ ج ۹، ص ۳۸۳، ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۱۴ و ۴۲۱.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷.

۴. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۴۳۲-۴۳۳.

۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۸.

۶. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۲۳۴.

۷. همان، ج ۹، ص ۳۶۳.

۸. خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۹۹.

۹. همان، ص ۲۱۷.

۴-۵. عمل به حدیث ضعیف

علامه حلی بسیاری از روایات را با این که افراد تضعیف شده در سند آنان موجود است یا سند حدیث مرسل بوده، مطابق جدول ذیل قبول کرده و مورد عمل قرار داده که نمونه هایی از آن در ادامه آمده است.

جدول ۲. عمل به حدیث ضعیف مطابق با اصطلاحات علم درایه

ضعیف	حدیث مطابق با اصطلاحات علم درایه
۵۰۲	تعداد
۶۵/۹	درصد به کل احادیث
۴۶۱	تعدادی که مورد عمل قرار داده
۸۲/۶	درصدی که مورد عمل قرار داده

۴-۵-۱. نمونه هایی از عمل کردن به حدیث ضعیف

در روایتی از لیث المرادی «المفضل بن صالح (ابی جمیله)» در سند روایت است^۱ که علامه در خلاصه الأقوال درباره ایشان عبارت «ضعیف جدا» به کار برده است^۲ و غضایری و نجاشی نیز این شخص را تضعیف کرده اند.^۳ جالب این که خود علامه در جای دیگر کتابش به ضعف «ابی جمیله» اشاره کرده و مضمون حدیث را از غیر طریق او مسجل دانسته است.^۴

روایتی از مسمع بن عبدالملک را قبول کرده، در حالی که در سند روایت «محمد بن الحسن بن شمعون» است^۵ که جدا تضعیف شده است.^۶

روایتی را از یونس نقل کرده، در حالی که ابراهیم، عن رجال ابیه» در سند حدیث آمده که رجال ابیه مشخص نیست.^۷ جالب این که علامه در مسأله بعدی همین روایت را به دلیل واضح نبودن طریق رد می کند.^۸

۱. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۳۴۸.

۲. خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۵۸.

۳. رجال ابن الغضائری، ص ۸۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۹.

۴. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۹، ص ۳۸۱.

۵. همان، ج ۹، ص ۳۸۹.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۳۵؛ رجال الطوسی، ص ۴۰۲؛ اختیار معرفه الرجال، ص ۳۲۲؛ رجال ابن الغضائری، ص ۹۵؛ خلاصه القوال فی معرفه الرجال، ص ۲۵۲.

۷. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۳۹۵.

۸. همان، ج ۱، ص ۳۹۶.

روایتی را که «أبوالبختري وهب بن وهب» در سند است، قبول کرده^۱ و این طریق را از بهترین طرق دانسته، در حالی که خودش در خلاصه الأقوال ایشان را کذاب دانسته^۲ و شیخ طوسی^۳ و نجاشی^۴ نیز «أبوالبختري وهب بن وهب» را کذاب دانسته‌اند. روایتی را از زید الشحام عمل کرده، در حالی که «المفضل بن سالم» در سند روایت است^۵ که جداً تضعیف شده است.^۶

روایتی را از عبدالله بن الحکم مورد عمل قرار داده، در حالی که این شخص مجهول است و در سند روایت نیز «محمد بن حسان الرازی» و «موسی بن زنجفیه ارمی» وجود دارند^۷ که هر دو تضعیف شده‌اند.^۸

به دو روایت از «حفص بن غیاث»^۹ - که عامی غیر معتمد است^{۱۰} - استناد کرده است. به حدیثی با عبارت «ما رواه عبد الله بن سنان» استناد کرده، در حالی که در سند حدیث «أحمد بن هلال» آمده،^{۱۱} که طوسی و کشی او را تضعیف و خود علامه نیز وی را غالی دانسته است،^{۱۲} در حالی که در مسأله قبلی حدیثی را که «أحمد بن هلال» در سندش آمده، مردود دانسته است.^{۱۳}

مرسلات شیخ صدوق را - که ایشان سندی برای احادیث نیاورده - قبول کرده،^{۱۴} در

۱. همان، ج ۱، ص ۴۱۰.

۲. خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۶۲.

۳. فهرست الطوسی، ص ۴۸۸.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۳۰.

۵. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۹، ص ۳۴۷.

۶. خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۵۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۹.

۷. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۹، ص ۳۷۶.

۸. برای ترجمه محمد بن حسان رازی، رک: رجال النجاشی، ص ۳۳۸؛ رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۹۵ و برای ترجمه موسی بن زنجفیه ارمی، رک: رجال النجاشی، ص ۴۵۹؛ رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۹۱؛ خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۵۸.

۹. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۸.

۱۰. خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۱۸؛ رجال الطوسی، ص ۱۳۳؛ اختیار معرفه الرجال، ص ۳۹۰.

۱۱. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۱۲. رجال الطوسی، ص ۳۸۴؛ فهرست الطوسی، ص ۸۳؛ اختیار معرفه الرجال، ص ۵۳۶؛ خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، ص ۲۰۲.

۱۳. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۴. همان، ج ۱، ص ۴۳۷ و ۴۸۹.

حالی که در جای دیگر کتابش، مرسلات صدوق را به خاطر این که در کتابش مسند نکرده، مردود دانسته است.^۱

روایات افراد ثقه را از «بعض اصحابه» یا «بعض اصحابنا» یا «بعض رجاله» را عمل کرده،^۲ ولی در جای دیگر کتابش این گونه روایات را به خاطر ارسال سند قابل عمل ندانسته است.^۳

۴-۶. جدول عملکرد علامه مطابق با اصطلاحات علم درایه

بعد از بررسی رجالی - سندی روایات نتایج مفصل عملکرد علامه حلی در همان دو جزء اول و آخر (کتاب طهارت و کتاب قصاص و دیات) از اثر فقهی اش، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه مطابق با اصطلاحات علم درایه در جدول ذیل آمده است:

جدول ۳. عملکرد علامه مطابق با اصطلاحات علم درایه

نام‌گذاری حدیث مطابق با اصطلاحات علم درایه	صحیح	حسن	موثق	ضعیف
تعداد در کتاب طهارت	۱۱۳	۵۳	۳۷	۴۱۹
تعداد در کتاب طهارت که به حدیث عمل کرده	۱۰۸	۵۲	۳۱	۳۴۲
درصد در کتاب طهارت که به حدیث عمل کرده	۹۵/۵	۹۸/۱	۸۳/۷	۸۱/۶
تعداد در کتاب قصاص و دیات	۲۸	۲۴	۴	۸۳
تعداد در کتاب قصاص و دیات که به حدیث عمل کرده	۲۷	۲۲	۴	۶۶
درصد در کتاب قصاص و دیات که به حدیث عمل کرده	۹۶/۴	۹۱/۶	۱۰۰	۷۹/۵
تعداد در مجموع دو کتاب	۱۴۱	۷۷	۴۱	۵۰۲
درصد در مجموع دو کتاب	۱۷/۲	۹/۴	۵/۳	۶۵/۹
تعداد در مجموع دو کتاب که به حدیث عمل کرده	۱۳۵	۷۴	۳۵	۴۶۱
درصد در مجموع دو کتاب که به حدیث عمل کرده	۹۵/۷	۹۶/۱	۸۵/۳	۸۲/۶

۵. جدول در نظر گرفتن بهترین صورت برای عملکرد علامه

اگر با تسامح از اشتباهات علامه بگذریم و احادیثی را که ایشان نام‌گذاری کرده‌اند، از ایشان بپذیریم و فقط احادیثی را که نام‌گذاری نکرده‌اند، مطابق با بررسی نگارنده و بر مبنای

۱. همان، ج ۱، ص ۴۱۲ و ۳۱۸.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۸۷؛ ج ۱، ص ۴۸۰؛ ج ۱، ص ۴۶۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۴۹ و ۳۵۴-۳۵۵.

اصطلاحات علم درایه داخل در یکی از چهار قسم (صحیح و حسن و موثق و ضعیف) قرار دهیم، جدول عملکرد علامه به صورت زیر در می آید.

جدول ۴. در نظر گرفتن بهترین صورت برای عملکرد علامه

نام گذاری حدیث مطابق با بهترین صورت عملکرد علامه	صحیح	حسن	موثق	ضعیف	مجموع
تعدادی که در مجموع دو کتاب به حدیث عمل کرده	۲۶۳	۸۰	۳۳	۲۷۶	۶۵۲
درصد مجموع دو کتاب که به حدیث عمل کرده	۴۰/۳۳	۱۲/۲۶	۵/۰۶	۴۲/۳۳	۱۰۰

نتیجه گیری

۱. مطابق جدول شماره ۱، از منظر علامه حلی ۳۱ درصد از احادیث صحیح بوده که به ۹۷ درصد آن ها عمل کرده، ۹ درصد حسن بوده که به ۹۷ درصد از آنان عمل کرده، ۱ درصد موثق بوده که به همه آن ها عمل کرده و ۵۷ درصد از احادیث مطابق با نظرایشان جزء احادیث ضعیف بوده که به ۷۷ درصد از آن ها عمل کرده است.

۲. مطابق جدول شماره ۳، از منظر دانشمندان علم درایه ۱۷ درصد از احادیثی که علامه مورد ارزیابی قرار داده حدیث صحیح بوده که علامه به ۹۵ درصد از آن ها عمل کرده، ۹ درصد از احادیث حسن بوده که به ۹۶ درصد از آن ها عمل کرده، ۵ درصد از احادیث موثق بوده که به ۸۵ درصد آنان عمل کرده و ۶۵ درصد احادیث مطابق با اصطلاحات علم درایه جزء احادیث ضعیف بوده که علامه به ۸۲ درصد از آن ها عمل کرده است.

۳. مطابق جدول شماره ۴ نیز ۴۲ درصد از کل احادیثی را که مورد عمل قرار داده، حدیث ضعیف بوده است.

۴. مطابق جداول ۱ و ۳، تعداد احادیث ضعیفی که مورد عمل قرار داده، از مجموع سه قسم دیگر احادیث که عمل کرده بیشتر است.

۵. مطابق جداول ۱ و ۳، روندی که در استفاده از احادیث و عمل به آن ها در کتاب آخر (جزء آخر) اثر فقهی خود در پیش گرفته، تفاوت چندانی با کتاب اول (جزء اول) ندارد. بنابراین مبنای ایشان تعدیل نشده است.

۶. مطابق با آمارهای به دست آمده، درست است که علامه حلی به نسبت سه قسم دیگر به حدیث صحیح بیشتر اعتماد کرده؛ چرا که درصد بالایی از آن ها را مورد عمل قرار داده،

ولی به احادیث حسن و موثق و حتی ضعیف بسیاری نیز عمل کرده است؛ در حالی که ایشان فقط حدیث صحیح را حجت می‌داند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، با وجود این که ایشان از پیشگامان رویکرد سندمحورانه به نقد حدیث است، این رویه را در کتاب‌هایش در پیش نگرفته است.

کتابنامه

- آسیب‌شناسی حدیث، محمد حسین ربانی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، جعفر سبحانی، قم: انتشارات امام صادق (ع)، ۱۴۲۸ ق.
- تلخیص مقباس الهدایة، علامه مامقانی، علی اکبر غفاری، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۹ ش.
- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- تهذیب الوصول الی علم الاصول، علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی، لندن: منشورات مؤسسه الامام علی (ع)، ۱۳۸۰ ش.
- خلاصه الأقوال فی معرفه احوال الرجال، علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
- الرجال، تقی الدین حسن بن علی حلی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین غضائری، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
- الرجال، ابوعمر و محمد بن عمر کشی، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، بی‌تا.
- الرسالة السعدية، علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی، بیروت: دار الصفوة، اول، ۱۴۱۳ ق.
- الرعايه فی علم الدرايه، زین الدین بن علی بن احمد جبعی عاملی، تحقیق: بقال، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۸ ق.
- ریاض المسائل، سید علی طباطبائی، تحقیق: مؤسسه النشر الاسلامی الاولی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- الرواشح السماويه فی شرح الاحادیث الامامیه، محمد باقر میرداماد، بی‌جا، بی‌نا.

- روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، زين الدين بن علي بن احمد جبعي عاملي، قم: بوستان كتاب، ١٣٨٠ ش.
- روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسي، مصحح: حسين موسوي كرمانى و على پناه اشتهااردى، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور، ١٤٠٦ ق.
- رياض المسائل، سيد على طباطبايى، تحقيق: مؤسسه النشر الاسلامى الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٠ ق.
- شرح البدايه فى علم الدراية، الشهيد الثانى، زين الدين بن علي بن احمد جبعي عاملي، به كوشش: عبدالحسين محمد على بقال، طهران، المطبعة العلميه، چاپ اول، ١٤٠٢ ق.
- علم الحديث، كاظم مديرشانه چى، قم: دفترانتشارات اسلامى، چاپ ٢٤، ١٣٩٢ ش.
- علوم الحديث و مصطلحه، صبحى صالح، بى جا، المكتبة الحيدرية، ١٤١٧ ق.
- الفوائد الرجاليه، اسماعيل بن محمد حسين خواجويى، محقق: مهدي رجايى، مشهد مقدس: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٣ ق.
- الفهرست، شيخ طوسى، نجف اشرف، المكتبة المرتضويه و مطبعتها، بى تا.
- قاموس الرجال، محمد تقى شوشترى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤١١ ق.
- مبادئ الوصول الى علم الاصول، علامه حسن بن يوسف بن مطهر حلى، قم: المطبعة العلميه، اول، ١٤٠٤ ق.
- مبانى و روش هاى نقد متن حديث از ديدگاه انديشوران شيعه، داوود معمارى، قم: مؤسسه بوستان كتاب، ١٣٨٤ ش.
- مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، زين الدين بن علي بن احمد جبعي عاملي، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٦ ق.
- مشرق الشمسيين و إكسير السعادتین، شيخ محمد بن حسين بهايى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٣٨٧ ش.
- مختلف الشيعة فى احكام الشريعة، علامه حسن بن يوسف بن مطهر حلى، قم: تحقيق: مؤسسه نشر الاسلامى، ١٤١٢ ق.
- مجمع الفائدة و البرهان، احمد اردبيلى، قم: دفترانتشارات اسلامى، بى تا.
- معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم موسوى خويى، قم: مركز نشر آثار شيعه، ١٤١٠ ق.
- منتقى الجمان فى الاحاديث الصحاح و الحسان، حسن بن زين الدين عاملي، تصحيح و تعليق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٣٦٢ ش.

- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامہ حسن بن یوسف بن مطهر حلیؒ، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- من لایحضره الفقیه، محمد بن علی صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۱۳ق.
- نهاية الوصول الى علم الأصول، علامہ حسن بن یوسف حلیؒ، قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام)، اول، ۱۴۲۵ق.
- الوجيزة فی علم الدراية، شیخ محمد بن حسین بهایی، قم: بصیرتی، ۱۳۹۸ق.
- وصول الاختیار الى اصول الاخبار، عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (۹۱۸-۹۸۴ق)، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، ۱۴۰۱ق.
- نرم افزار جامع فقه اهل البيت (علیهم السلام) ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- نرم افزار جامع الاحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- نرم افزار جامع اصول الفقه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- نرم افزار درایه النور ۱/۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- نرم افزار رجال شیعه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.